



• پنج شنبه ۲۷ دی ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۳۸

حدیث روز

حضرت علی (ع): برترین مردم، داورترین آن‌ها به حق است.

غیر الحکم و در الحکم

ذکر روز پنج شنبه

صد مرتبه «لا اله الا... الملک الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی محمد وآل محمد»

در محضر بزرگان

رضایت خدا از بنده

مرحوم آیت ... مجتهدی تهرانی فرمودند:

اگر می‌خواهید بدانید که خدا از شما راضی هست یا نه، ببینید خودتان در ته دل از خدا راضی هستید؟ همان‌طور که دکتر هر چه بگوید، بیمار می‌پذیرد، خدا هر چه به ما داد، ما هم باید رضایت داشته باشیم. اگر در مصیبت‌ها ونداری‌ها از خدا گله نکنیم و تسلیم خدا باشیم، یعنی این که ما از خدا راضی هستیم و خدا هم از ما رضایت دارد.

خبرگزاری صدا و سیما

بریده کتاب

معنای زندگی

خیلی‌ها زندگی‌شان بی معناست... به این دلیل است که خواسته‌اشبها دارند. برای این که به زندگی خود معنا بد هید باید دیگران را عاشقانه دوست‌بدارید، خودتان را وقف دنیای پیرامون‌تان بکنید، چیزی خلق کنید که به شما معنا و هدف بدهد.

«سه شنبه‌ها با موری» اثر میچ‌البوم

ریشه ضرب‌المثل

آفتابی شدن

در قدیم، حفر قنات به ویژه در مناطق کیم‌آب ایران، رونق داشت؛ آفتابی شدن از اصطلاحات قناتی است و آن‌جا که آب قنات به سطح زمین می‌رسد، گفته می‌شود آفتابی شد؛ یعنی آب قنات از تاریکی خارج شده، به روشنایی رسیده است. این عبارت بعدها درباره افرادی که پس از مدتی از انزوا خارج می‌شوند به کار برده شد.

قرار مدار

اندکی صبر

انتقام

مه ساوفا بی

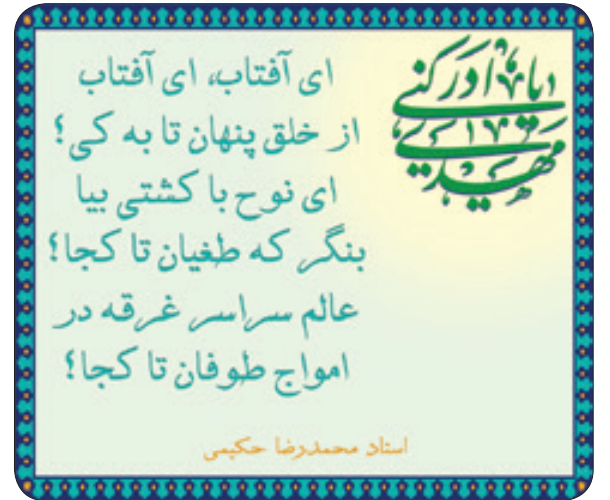
پرستوها به دلم کوچ کرده و ولوله به راه انداخته اند سارها به سرم می‌زنند و کلاغ‌ها قارقارشان را به گوشم... می‌دانستم که عاقبت پرنده‌ها انتقامشان را از تک‌تک ما خواهند گرفت

دنیا به روایت تصویر



ای پی‌ای | موتورهای وسپا زیر برف، سوئیس

فتوشعر انتظار



باخانمان

شعر من است او، نمره دهیدش!

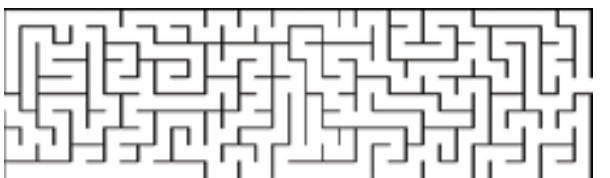
زهرا فرینا اطنزپرداز

الان که این مطلب رومی نویسم، به حدی خوشحالم که می‌خوام به‌تمام خوانندگان این ستون شیرینی بدم. البته این که این ستون کلا دوتا خواننده داره، یکیش خودمم و یکیش مادر بزرگم که دیابت داره هم در این حجم از دست‌ودلبازی بی‌تاثیر نیست. حالا چرا خوشحالم؟ بعد از اخبار تلخ سقوط هواپیما و آتش‌سوزی مدرسه در سیستان و بلوچستان و چپ کردن اتوبوس حامل دانشجویان و فوت شوهر عمه پدرشوهر خاله‌ام، بهترین خبری که می‌شد بهم برسه و تا حدی تلخی قبلی‌هارو جبران کنه چی بود؟ اتمام امتحانات با پاسی حداکثری!

واقعا از کت و کول افتادم بعد از این همه امتحان. چه عصرهایی که تازه ساعت ۷ شروع کردم به جمع کردن منابع امتحان. چه شب‌هایی که به خاطر امتحان تا صبح تخت خوابیدم. چه صبح‌هایی که قرار بوده به ساعت زودتر باشم درس بخونم، اما نیم ساعت دیرتر از همیشه بیدار شدم و به‌زور به وسط‌های امتحان رسیدم. با این حال نه تنها پاس کردم همه‌رو، بلکه به ۱۸، دوتا ۱۷ و بقیه نمره‌هارو هم بین ۱۳ تا ۱۶ در کارنامه درخشانم به ثبت رسوندم. اما بطور این امر محقق شد؟

شاید شما هم از اون دسته آدم‌هایی هستین که معتقدین از این نویسندگی و شعر و شاعری هیچی در نیامد. ولی کاملا اشتباه می‌کنین. به جز ده نمره‌ای که با معلومات عمومیم از هر امتحان گرفتم، بقیه‌اش کاملا کار شعر و ادبیاته. هر استادی بیشتر با شعری که در وصفش گفتم حال کرده، بیشتر نمره داده. مشکل مملکت ما همینه. یه مشت دکتر و مهندس بی‌ادب بار آورده. یعنی بی‌ادبیات. در صورتی که همیشه همین علوم انسانیه که به کمک بشر اومده. خب تازه راهش رو یاد گرفتم. ترم بعدی به جای این که درس بخونم، کلاس وزن و قافیه می‌رم و شعر حرفه‌ای‌تری می‌گم. هدف گذاری کردم که سر امتحان بعدی، روی حضرت حافظ رو سفید کنم!

مار پیچ (سختی ۶۰٪)



پنج‌شماره

پرونده‌های مهجول

فاطمه قاسمی | مترجم

در تابستان سال ۱۹۷۳ میلادی، رصدخانه رادیویی دانشگاه اوهایو در آمریکا که با نام Big Ear یا گوش بزرگ از آن‌یاد می‌شود، به دنبال مستندات و نشانه‌های سیگنال‌های فرازمینی شروع به کندو کاو کهکشان کرد. «جری اِهمِن» ستاره‌شناسی بود که به‌صورت داوطلبانه در سال ۱۹۷۷ میلادی در پروژه SETI شرکت کرده بود. هر روز تعداد زیادی صفحات پرینت شده از داده‌های دریافتی تلسکوپ رصدخانه به او تحویل داده می‌شد و او می‌بایست کاغذها را برای یافتن هر گونه



تلگراف | شکار صحنه خوردن شهید گل توسط یک خفاش

تایخند

- خوبی بازی مهدی طارمی اینکه که نمی‌شه آنالیزش کرد... چون خودش هیچ ایده‌ای نداره قراره چیکار کنه!
- بنده خدا خیابانی رو دارن یواش یواش دک می‌کنن بره. امسال از شبکه ۳ فرستادش شبکه ورزش، سال دیگه می‌فرستنش رادیو، دوسه سال دیگه می‌فرستنش خانه سالمندان بهش میگن پدر جان یک دست واسه دور بین ماتکون بده!
- نصف مشکلات روحی با کلاه سویت‌شرت حل می‌شه!
- برنامه‌های ورزشی شبکه‌های ورزش صداوسیما این جوریه که، مجید جلالی شبکه ورزش، ذوالفقار نسب شبکه سه، فرشاد پیوس ر ادیو ورزش، برنامه فر داشون، مجید جلالی شبکه سه فرشاد پیوس رادیو ورزش، ذوالفقار نسب شبکه ورزش، و همین جور چرخش دوباره و دوباره...!
- ولی من اگه ۳۰ میلیون داشته باشم بین پراید و آیفون حتما آیفون رو انتخاب می‌کنم... درسته آیفون راه‌نمیره ولی عوضش مطمئنم خطری برام نداره!

دور دنیا

راز استقامت دیوار بزرگ چین



تلگراف- دانشمندان چینی می‌گویند راز قدرت، استحکام و طول عمر دیوار بزرگ چین را کشف کرده‌اند و آن چیزی نیست جز آرد برنج! «دکتر ژانگ» دانشمند چینی می‌گوید: «برنج که یکی از اصلی‌ترین غذاهای شرق آسیاست، به حفظ مقبره‌های سلسله مینگ، پگودا و دیوارها در برابر زمین لرزه‌ها و دیگر بلایای طبیعی بسیار کمک کرده‌است.» ملاط‌آرد برنج و آهک به حدی استحکام دارد که بعد از قرن‌ها هنوز علف‌های هرز نتوانسته‌اند به آن نفوذ کنند.

حمله هیولا‌های چرب به فاضلاب انگلستان



اسپوتنیک- توده چربی بزرگ‌تر از «برج پیزا» در سیستم فاضلاب شهر «سیدموث» پیدا شد! گفته می‌شود برای از بین بردن این هیولای چرب به درازای ۶۴ متر یعنی ۶ اتوبوس‌دو طبقه، به حداقل دو ماه وقت نیاز است.

به گفته کارشناسان «کوه یخ چرب» بلای انگلستان معاصر است. مهم‌ترین ماده‌ای که باعث شکل‌گیری این هیولا می‌شود، چربی خوراکی و دستمال توالت‌هایی است که انگلیسی‌ها در لوله‌های فاضلاب می‌ریزند و به اسکلت اصلی این هیولا تبدیل می‌شود.

اختلاف بر سر گنج پنهان آب‌نمای «تروی»



الجزیره- هر سال توسط گردشگران یک و نیم میلیون یورو در آب‌نمای فواره ۳۰۰ ساله «تروی» شهر مِ رِ انداخته می‌شود. داستان این کار برمی‌گردد به درخواست یک کشیش که از شهروندان رمی‌خواسته بود برای کمک به افراد بی‌بضاعت شهر کمک‌هایشان را در این فواره ببندازند. بر اساس این داستان اگر مسافری سکه‌ای داخل آب‌فواره پرتاب کند، روزی به‌رم‌باز خواهد گشت. به تازگی شهردار رم تصمیم گرفته‌است مدیریت این پول‌را در دست بگیرد. این تصمیم موجب اختلاف بین شورای شهر و کلیسا شده‌است، زیرا تاکنون یک موسسه خیریه از این پول استفاده می‌کرده‌است. این موسسه اعلام کرده ۱۵ درصد از هزینه‌های خود را از پول‌های این آب‌نما تأمین می‌کند، اما شهردار تأکید می‌کند که این پول باید برای زیرساخت‌های فرهنگی شهر رم صرف‌شود.



تریبون | موج‌سواری رددندان‌های کوسه‌روی تخته‌اش را به خبرنگاران نشان می‌دهد. ایالات متحده

تفال

منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام

پرسدای ساربانان بینی و بانگ جرس

محمل جانان بیوس آن‌گه به‌زاری عرضه‌دار

کز فراق سوختم‌ای مهربان فریاد رس

کله چغونی

آق کمال و خانواده در جشنواره شرکت می‌کنند



آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

عیال زنگ زد که شب زودتر بیا دنیا لُم باید برم خانه آقات اینا. هُری دَلُم ریخت پایین. پرسیدم: «چی کار فرته؟ خانه‌شانه دزد زده؟ زبونم لال آقام سکنه کرده؟ مادرُم فشارش افتاده؟ آجیم تصادف کرده؟ جمال براُمه دزد دیدن؟ نکنه آقا بزرگ یا خانم جان...» که عیال ترمزه کیشید و گفت: «اوِه...! چه خبره بابا! امون بده! مثل فر فره برای خودت می‌بافی! یعنی متخصص توی نفوس بد زدنی! مبادا فکر خوب بکنی‌ها! مثلاً ممکنه برای خواهرت خواستگار بیادیا...» پریدم وسط حرفش که: «ببخشن، خواستگار غلط مُکنه بری آجی موبیه! قلم پاشه خرد مکُنم، مگر ای که درس خوانده بشه و خانه و ماشین و حقوقش به راه باشه!» کاملیا خانم خنده‌اش گیرفت و گفت: «بابا غیرتی! خواستگار کجا بود حالا؟! هیچی نشده، مامانت گفتن می‌خوان غذا بپزن، کمک می‌خوان، بریم ببینیم چه خبره» آقا ماره مگی، از یگ طرف خوشحال که اتفاق بدی نیفتاده و مخصوصاً بری آجیم خواستگار نیامده، از یگ طرف هم متعجب که غذا یختن مادرُم چی ربطی به مادره؟

شب رفتم خانه‌شان و دیدم مثل جمعه‌بازار همه و سایل آشپزخانه وسط هاله. مادرُم چادرش به کمرش بسته بود و دستاش تا آرنج خمیری و خامه‌ای و سسی و ربی بود. آجیم هم کلاه‌آشپزی سرش گذاشته بود و داشت عکس و فیلم مگرفت. براُم جمال هم یگ موز توای دستش، یگ کاسه ژله‌تو او دستش، نشسته بود وسط حال و مثلاً گردو پوست مکنده و مستقیم مذاشت تودهنش! پرسیدم: «چی خبره اینجی؟» آقام که رو میل لم داده بود و داشت کانالاره بالا و پایین مکرد، خندید و گفت: «خوب شد! آمدن! ببیین مادر ت چی مگن، اینا موره دیونه کزدن!» کاملیا خانم رفت تو آشپزخانه و معلوم رفت فردا تو مدرسه جمال جشنواره غذایه و هر دانش‌آموز باید یگ خوراکی یا خودش بپزه. آجیم گفت: «منم میرم و لایو می‌ذارم، حتما ببیین، تیم ما باید بتر کنه!» گفتُم: «حالا جایزه‌اش چی هست که ای جور به خودتان افتادن؟» جمال دور دهنش به‌پاک کرد و گفت: «معلم‌مان بهمان مگه آفرین! آخرشم غذا هاره تقسیم مکنن با هم بخورم!» انا حالا خوب رفت! یاد زمان مدرسه خودمان افتادم که تو کلاس حرفه و فن گفتن باید یگ رادیو با ماشین چوبی و در فوطی باز کن، بسازن و اجازه ندارن از احدی کمک بیگیرن! آخرشم پیدا ختنش توانباری مدرسه و داغش به دل مان‌مانند!

مسابقه‌ای کیه؟

فی‌الواقع وقعی بنهید!

سلام. این هفته با یک چهره ورزشی – تلویزیونی که این روزها خبرساز شده‌است، با شما هستیم! بیشتر از این راهنمایی نمی‌کنیم، دست به کار بشین و تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون و کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به‌شماره ۲۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو دوشنبه همین‌جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو پنج شنبه هفته بعد چاپ می‌کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می‌بینید برنده مسابقه پیش، خانم هیلا فالیزیان حقیقی، یکی از مخاطبان پرو و باقر صر روزنامه هستن که دیروز تولدشون بوده و دوباره دوجانبه بهشون تبریک می‌گیم.



ماوشما

* ما زندگی سلامی‌ها تولد دو تا از خواننده‌های گل روزنامه یعنی مائده‌خانم و مهدیه‌خانم کاردارن رو بهشون تبریک می‌گیم. امیدواریم

درس‌هاتون رو خوب بخونین، قدر زحمات پدر و مادرتون رو بدونین و وقتی بزرگ‌شدین افراد مفیدی برای جامعه بشین.

* از مطلب خودمونی آقای صابری تشکر می‌کنم. به‌راستی که امروزه افرادی به عنوان سلبریتی در تمام مسائل اظهار نظر می‌کنند و خود

را از دیگران متمایز می‌بینند در صورتی که بسیار جاهلانه رفتار می‌کنند.

سید مهدی

* آق کمال؛ به نظر جناب عالی کیوی رو با پوست بخورم بهتره یا بدون پوست؟!

آق کمال: بستگی به ذائقه‌تان دره، بعضیا پر تقال‌رم با پوست مخورن! * بد سوتی در سه نقطه ۲۲ دی دادید! قاتل خاموش CO است نه CO۲.